

بر گزار شد. هیچ کدامشان هم موضع علیه نظام و سیستم و اینها نگرفتند. برای اینکه خودشان گفتند بر گزار کن. آیا امسال هم اینجوری است؟ نمی خواهم وارد بحث سیاسی بشوم. می خواهم بگویم خانواده بزرگ سینمای ایران که این همه مفاخر در آن است، حالا چه قبل از انقلاب چه بعد از انقلاب، احترامش بر همه از جمله مدیران واجب است. تعامل با اینها در بحث و گفت و گو و تصمیم گیریها واجب است. بعد وقتی که خدا می گوید، پیغمبر می گوید مشورت کنید، ولی ما در مشورت را می بندیم خب از خیلی چیزها محروم می شویم. حالا اینها امسال گفته نشده و من هم نمی خواستم وارد این تعارض شوم. آقا این همه توصیه دارند. آقا می فرماید که این جریان را به هم زنید که به هم بریزد و بعد باعث اختلاف و بروز اختلاف شود. چرا؟ برای اینکه وجوه مشترک زیاد داریم. من می گویم الان جایش نیست که برای شما بگویم. در سال ۶۲ که آقا یک جمله ای به من فرمودند. اگر این نگاه تعمیم پیدا می کرد اصلاً می رسید به اینجا که هنرمندان با ما و با نظام زاویه پیدا کنند؟ سال ۶۲ من مجری نظرات ایشان بودم در همان سالها، یک عده ای جریان سازی کردند، اختلاف ایجاد کردند، علیه من، علیه سینماگران قدیمی تبلیغ کردند، در روزنامه ها نوشتند. یکی از گوشه هایش را فقط اشاره کنم که به فیلم «برزخی ها» برمی گشت. چه بلایی سر مدیریت آن زمان آوردند، چه بلایی سر من آوردند. «برزخی ها» به نظر من یک الگوی بسیار خوبی بود برای سینمای قبل از انقلاب. تازه هنوز جنگ شروع نشده بود که یک عده ای جمع شدند و بر اساس عرق ایرانی اسلامی شان داشتند از این نظام دفاع می کردند، آن وقت شما بیایی اینها را بکوبی؟ چرا؟ برای اینکه چهار تا هنرمند قدیمی در آن فعالیت می کنند. این مسائل را دیگر شما بهتر می دانید چون مطبوعات هم درباره اش می نوشتند.



**اصلاً شما فکر کنید چرا نباید در بخش فرهنگ و هنر که همه اش صحبت از تعامل و تبادل نظر و مشورت و اینهاست، در فرهنگ سینمای ما وجود ندارد؟ دوستان قدیمی که قبل از انقلاب آمدند و از انقلاب هم استفاده کردند حالا کجا هستند؟ من به همه آدم هایی که مسئول این بخش بودند توصیه کردم، آقا این آدمها بزرگ هستند، این آدمها را دعوت کنید، با آنها مشورت کنید. توی این یکی دوساله کسی سراغ ما نیامد. ولی دو سه روز پیش یک عزیز به من زنگ زد که آقا شما بیایید مثلاً در فلان بخش جشنواره داور باشید، من نپذیرفتم. دلیل هم دارم، به ایشان هم گفتم. گفتم من فقط در خارج از کشور یکبار دوری کردم. همان بس است. اینجا در داخل کشور دوری نمی کنم. نه اینکه بحث تفاوت دیدگاه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و دولت ها باشد، نخیر؛ من می خواهم مشکل اول از سر چشمه درست شود. چون وقتی از سر چشمه درست شود از من با اولویت تر وجود دارد و بعد اگر من مثلاً بروم یک جایی بنشینم که از خودم بهتر هست، نمی توانم آنجا قضاوت درستی داشته باشم. من به ساختار اشکال دارم. در تفکر اینکه چرا از این تجربه هایی که جمهوری اسلامی روی آن خرج و هزینه کرده، بهره برداری نمی کنید؟ کسی هم از شما نه پولی می خواهد نه پستی، نه مقامی. گفتید شباهت امسال با سال ۸۸ چیست؟ من سال ۸۸ دستم را به طرف خود کسانی دراز کردم که اعتراض داشتند. آنها کمک کردند و جشنواره ۲۸ و ۲۹**

ولو کوموتیوران را برزیم.

### فشارها به دبیر جشنواره هر سال وجود دارد

ببینید، این فشارهای بیرونی برای انتخاب هئیت داوران یا انتخاب طبق هر سال وجود دارد ولی در زمان من، به استثنای یک مورد، کسی داشت به من تحمیل می کرد که مافوق بنده بود و معاون سینمایی؛ برای همین بایستی نظرش را بالاخره یک کسی قبول می کرد. ایشان متأسفانه فردی را به ما تحمیل کرد که اهل سینما نبود، ولی بالاخره من تبعیت کردم و ضمن تذکر، ضمن اعلام نظر منفی نسبت به این شخصیت، به هر حال به جشنواره آمد. باید می پذیرفتم، مجبور بودم که یک جایی با آنها همراه شوم، چون بالاخره سیاست کلان در اختیار آقایان بود. آقایون هم به من اعتماد کرده بودند. من نمی خواهم عین جمله را بگویم ولی به هر حال وقتی به من گفتند تو بیا برو دبیر جشنواره شو و من نظراتم را گفتم که به این دلایل با شما نمی توانم همراه باشم و قبول ندارم، ولی بعدش چون پذیرفتم، بایستی یک جاهایی هم بالاخره با گروه همکاری می کردم. همکاری هم در حد یک نفر و یک انتخاب بوده و آن یک نفر هم الان جزء مسئولین است.

### من سال ۸۸ دستم را به طرف کسانی دراز کردم که معترض بودند

درباره دبیر جشنواره امسال من اصلاً ایشان را نمی شناسم و هیچ نظری هم نمی دهم. نه اینکه غرضی داشته باشم ولی باور کنید بیشترین انرژی و وقت را برای سینما گذاشته ام، حتی بیشتر از بچه های خودم. الان سینما برای من یک جنس یا جریان بی تفاوت نیست. لحظه به لحظه سینما و جریاناتش را تعقیب می کنم. دوستان محبت دارند و با من تماس دارند، می گویند، می شنویم و نگرانی هامان را باهم

